
ممنوعیت استخدام و به‌کارگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه

شب‌نام اربابیان*

دیباچه

کودکان نیمی از قربانیان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی (داخلی) را تشکیل می‌دهند. براساس آمارها، در بیشتر از ۳۶ کشور جهان، کودکان قربانی تعارضات مسلحانه بوده‌اند. امروزه اکثر مخاصمات مسلحانه جنبه‌ی داخلی پیدا کرده و میزان ویرانی‌ها، خشونت‌ها و آسیب‌های وارده به کودکان و تلفات انسانی در آنها بسیار زیاد و وحشتناک است. از سوی دیگر، یکی از ویژگی‌های مخاصمات داخلی این است که عده‌ی زیادی از کودکان غیرنظامی، پناهنده، یتیم و جا به جا شده با اعمال زور و ارعاب و عمدتاً به صورت اجباری توسط نیروهای مسلح دولتی یا گروه‌های شبه نظامی، مورد استفاده قرار می‌گیرند.

براساس آمار ارائه شده از سوی صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)،

* شب‌نام اربابیان دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل است.

(shabnam_arbabian@yahoo.com)

پذیرش: ۱۳۹۱/۷/۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۶/۵

فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، سال نهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۱، صص ۲۰۱-۱۸۱.

بیش از ۳۰۰ هزار کودک دختر و پسر ۱۸ سال در بیش از ۳۰ مخاصمه مسلحانه سرباز می‌باشند. تعداد اندکی از این کودکان به صورت داوطلبانه وارد نیروهای مسلح دولتی و یا غیردولتی می‌شوند، اما بیشتر آنها قربانی وحشیگری‌های افرادی هستند که به دلیل انگیزه‌های سیاسی، قومی، عقیدتی، مذهبی، نژادی و کینه‌های تاریخی با یکدیگر می‌جنگند و هیچ حرمتی برای شان و شخصیت کودکان قایل نیستند.^(۱)

همچنین، در آسیا و آفریقا کودکان در درگیری‌های مسلحانه زیاد دیده می‌شوند که بیشتر آنان از سن ۱۰ سالگی و حتی سنین کمتر به استخدام نیروهای مسلح درآمدند. در بسیاری از این کشورها، دختران نیز همپای پسران به عنوان سرباز به کار گرفته می‌شوند و چه بسا چه عواقب شومی در انتظار این دختران است و معمولاً در معرض تجاوزات و خشونت‌های جنسی قرار می‌گیرند.^(۲) کودکانی که خانواده‌های خود را از دست می‌دهند در صحنه درگیری تنها می‌مانند و کودکانی که به خاطر فقر رها می‌شوند، بهترین گزینه برای نبرد هستند. این کودکان به راحتی توسط دولت یا گروه‌های مسلح غیردولتی به ویژه شورشیان به جنگ وادار می‌شوند و به تدریج این اندیشه در آنها ایجاد می‌شود که جنگ تنها راه بقاست. آنها که شاهد قتل و کشتار والدین خود و سایرین توسط طرف‌های درگیر هستند به آسانی مرتکب قتل و جنایت می‌شوند.^(۳) آنچه در کشورهای عراق و افغانستان، برونئی، ساحل عاج، جمهوری دموکراتیک کنگو، سیرالئون، سودان، اوگاندا، نپال و سریلانکا می‌گذرد، شاهدی است بر این مدعا که در کشورهای مزبور استفاده از کودکان در درگیری‌های مسلحانه به صورت ظالمانه رایج می‌باشد.

براساس گزارشی که دبیرکل سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۵ به شورای امنیت ارسال نمود، درگیری‌های مسلحانه بین نیروهای ارتش نپال و گروه شبه نظامی موجب کشته شدن بیش از ۵۰ کودک سرباز و زخمی شدن ۱۱۰ کودک گردیده است. در سریلانکا، علیرغم انعقاد موافقتنامه‌ای بین سازمان ملل متحد و گروه شبه نظامی بیره‌های تامیل مینی‌بر خودداری از سربازگیری کودکان و مرخص کردن کودکان سرباز موجود در این گروه در سال ۲۰۰۵، بیش از ۱۰۰۰ کودک به نیروهای مسلح این گروه شبه نظامی اضافه شده‌اند که تعداد زیادی از این کودکان را دخترها تشکیل می‌دهند. همچنین، طبق گزارشی از یونیسف، بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵ میلادی بیش از ۴۷۰۰ کودک به

سربازگیری در نیروهای این گروه در آمده‌اند و حتی کودکان ۱۱ ساله نیز در بین آن‌ها به چشم می‌خورند. همچنین، در اوگاندا فقط در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ میلادی بیش از ۳ هزار کودک را ربوده‌اند تا از آن‌ها در نیروهای خود به عنوان سرباز استفاده کنند.^(۴)

کودکانی که داوطلبانه یا به اجبار در مخاصمات مسلحانه شرکت می‌کنند، بدون شک نسبت به بقیه گروه‌ها نیازمند استاندارد بالای حمایت هستند. اگر تمام دولت‌ها به توافق برسند که شرکت کودکان در مخاصمات مسلحانه، اشتباهی جدی است، وضعیت کودکان درگیر در مخاصمات بهبود می‌یابد. در هر صورت، بین حمایت اعطایی حقوق بین‌الملل بشر و واقعیت‌های زندگی فرسنگ‌ها فاصله وجود دارد. نداشتن اتفاق نظر بر سر تعیین سن سرباز کودک، شکاف بین حمایت از کودک سربازان و واقعیت‌های تلخی که کودکان با آن روبه‌رو هستند را افزایش داده است.^(۵) در واقع، با شروع مخاصمات مسلحانه، کودکان نیز خواسته یا ناخواسته به صورت مستقیم و غیرمستقیم درگیر این مخاصمات شده و همان‌طور که گفته شد قربانی این فاجعه خواهند بود.

با گزارشاتی که از یونیسف و دبیرکل سازمان ملل در مورد استفاده از کودکان در مخاصمات به عنوان سرباز ارایه شد و با قبول این که کودکان باید در آرامش و امنیت زندگی کنند و نیز اینکه ایشان آینده سازان جامعه هستند، ضرورت دارد که از کودکان حمایت ویژه شود. از مصادیق این حمایت بدست دادن یک معیار سنی مشخص برای استخدام و به‌کارگیری سرباز می‌باشد. موازین و استانداردهای دربردارنده این حمایت در مخاصمات مسلحانه از جمله در قالب حقوق قراردادی بیان شده است. در سال‌های گذشته، کشورها، سازمان‌های بین‌المللی و غیردولتی تلاش‌های بسیاری را در قالب اقدامات حمایتی ویژه، تدوین و ایجاد استانداردهای بین‌المللی در جهت مبارزه و مهار نمودن مقوله سربازگیری به عمل آورده‌اند. به طور کلی، موازین بین‌المللی حمایت از کودکان در درگیری‌های مسلحانه در قالب حقوق قراردادی اسناد بین‌المللی حمایت از کودکان در تعارضات مسلحانه را می‌توان چنین برشمرد:

۱. کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و دو پروتکل الحاقی ۱۹۷۷؛ ۲. اعلامیه حقوق کودک، سال ۱۹۵۹؛ ۳. کنوانسیون حقوق کودک، سال ۱۹۸۹؛ ۴. منشور

1. Convention on the Rights of the Child, (1989).
2. Convention on the Rights of the Child, (1989).

آفریقایی حقوق و رفاه کودک، سال ۱۹۹۶؛^۱ ۵. اصول کیپ تاون، سال ۱۹۹۷؛ ۶. اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، سال ۱۹۹۸؛^۲ ۷. مقاله نامه شماره ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار با عنوان بدترین اشکال کار کودکان و توصیه نامه شماره ۱۹۰ سال ۱۹۹۹،^۳ ۸. پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک در مورد به‌کارگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه، سال ۲۰۰۰؛^۴ ۹. اسناد منطقه‌ای سال ۲۰۰۰.

شایان ذکر است که در کنار دستاوردهای چشمگیر اسناد قراردادی، شورای امنیت، مجمع عمومی و دبیرکل سازمان ملل نیز فعالیت‌های قابل توجهی را در حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه انجام داده‌اند. شورای امنیت و مجمع عمومی هر کدام با صدور قطعنامه‌هایی در خصوص کودکان و مخاصمات مسلحانه اقدام کرده‌اند.^(۱) دبیرکل سازمان ملل نیز با ارائه چهار گزارش با موضوع کودکان و مخاصمات مسلحانه بر حمایت از کودکان در اسناد قراردادی تاکید کرده است.^(۲) علاوه بر این، «کنفرانس‌های صلیب سرخ و هلال احمر در سال ۱۹۸۶ و ۱۹۹۵ قطعنامه‌هایی را دایر بر ممنوعیت به خدمت گرفتن کودکان در نیروی نظامی و ممنوعیت شرکت کودکان در درگیری‌ها تصویب کرده‌اند. از سوی دیگر، برنامه اقدام سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۰ که در بیست و هفتمین کنفرانس صلیب سرخ و هلال احمر در سال ۱۹۹۹ به تصویب رسیده از کلیه طرف‌های درگیر درخواست کرده تا کلیه اقدامات لازم از جمله اقدامات جزایی را به منظور جلوگیری از استخدام کودکان در نیروها و گروه‌های مسلح و ممانعت از شرکت کودکان در درگیری‌های مسلحانه به عمل آورند».^(۳) «همچنین... دادگاه سیرالئون در قضیه نورمن در رای مورخ ۲۰۰۴ اعلام داشت که ممنوعیت سربازگیری کودکان زیر ۱۵ سال، جنبه عرفی یافته است».^(۴) افزون بر موارد یاد شده، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، سازمان وحدت آفریقا و سازمان کشورهای آمریکایی و سازمان امنیت و همکاری اروپا گام‌هایی موثر در حمایت از کودکان و منع استفاده از آن‌ها در مخاصمات مسلحانه برداشته‌اند.^(۵)

1. African Charter on the Rights and Welfare of the Child (1996).
2. Statute of International Criminal Court (1998).
3. ILO Convention (182) Concerning the Prohibition and Immediate Action for Elimination of the Worst forms of Child Labour (Art 3).
4. tional Protocol with the Convention on the rights of the child on the participation of the children in the wars, (2000).

با توجه به آنچه گذشت، می‌توان ادعا کرد که دولت‌ها روز به روز بیشتر ترغیب می‌شوند تا مشارکت مستقیم و غیرمستقیم کودکان را در مخاصمات منع کرده و حداقل سن خدمت در نیروهای مسلح خود را افزایش دهند. در ادامه، با تعریفی از کودک و کودک سرباز، به توضیح و تحلیل اسناد کلیدی در زمینه کودک سرباز می‌پردازیم.

۱. مفهوم کودک

به منظور دستیابی به تعریف کودک، آن را از حیث واژه‌شناسی بررسی می‌کنیم. در لغت فارسی، کودک به معنای کوچک و همچنین فرزندی که به حد بلوغ نرسیده اعم از این که پسر باشد یا دختر به کار برده شده است و در زبان عربی به کودکان، صبی، صغیر و طفل گفته شده است.^(۱۱) صغیر از دیدگاه فقهی کسی که به سن بلوغ نرسیده باشد و از نظر مدنی به فردی گفته می‌شود که به سن ۱۸ سال تمام نرسیده باشد.^(۱۲) (Infant) یا (Child) رایج‌ترین لغاتی هستند که در زبان انگلیسی برای کودک به کار برده می‌شود و منظور از آن کسی است که زیر سن بلوغ قرار دارد. بنا بر ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک نیز، منظور از کودک افراد انسانی زیر سن ۱۸ سال است مگر این که طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود.

۲. مفهوم کودک سرباز

طبق تعریفی که یونیسف از کودک سرباز ارائه می‌دهد، منظور از کودک سرباز «دختر یا پسر زیر ۱۸ سال است که به نیروهای مسلح رسمی و یا گروه‌های مسلح رسمی و غیررسمی ملحق شده است و در آن نیروها و گروه‌ها اعمال مختلفی را انجام می‌دهد. این اعمال، مشتمل بر موضوعاتی همچون آشپزی، جاسوسی و بردگی جنسی می‌باشد». همانطور که می‌بینیم، یونیسف تعریفی موسع از مفهوم کودک سرباز ارائه نموده است تا از کودکانی که در نیروهای مسلح رسمی و گروه‌های مسلح رسمی و غیررسمی مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند، نیز حمایت نماید. پس، هنگامی که از حمایت کودکان سرباز سخن گفته می‌شود منظورمان تنها حمایت از کودکانی که صرفاً در یک مدت زمان معین و یا به صورت دائمی تکالیف نظامی یک سرباز را انجام می‌دهند، نمی‌باشد.^(۱۳)

۳. اسناد بین‌المللی حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه

اسناد بین‌المللی زیادی از سوی جامعه بین‌المللی به تصویب رسیده و مورد پذیرش قرار گرفته که به موضوع کودکان و به طور ویژه به استخدام و به‌کارگیری آنان در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی پرداخته‌اند. در ادامه این نوشتار برخی از مهم‌ترین اسناد مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت:

۳.۱. پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۷۷ در حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی

کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ ترتیبات خاصی را در حمایت از کودکان در طول مخاصمات مسلحانه شکل داده، اما در مورد منع شرکت کودکان در درگیری‌های مسلحانه سکوت کرده است ولی ماده ۷۷ پروتکل اول طی چندین بند حمایت از کودکان را مطرح می‌سازد. بنا بر بند ۱ این ماده؛ کودکان باید مورد احترام خاص قرار گیرند و در برابر هر شکل از حمله غیرمحرمانه حمایت شوند. طرف‌های مخاصمه مراقبت و کمکی را که کودکان خواه به علت سن و یا به هر علت دیگری به آن نیاز دارند، برای آن‌ها فراهم می‌نمایند. در بند ۲ این ماده نیز مقرر گردیده است که؛ طرف‌های مخاصمه همه گونه اقدامات ممکن را به عمل خواهند آورد تا کودکانی که به سن ۱۵ سالگی نرسیده‌اند به طور مستقیم در مخاصمات شرکت نمایند و به ویژه از فراخواندن آن‌ها به نیروهای مسلح خود اجتناب خواهند کرد. طرف‌های مخاصمه از فراخواندن افرادی که سن آن‌ها از ۱۵ سال بیشتر است اما هنوز به ۱۸ سالگی نرسیده‌اند خودداری کرده و کوشش خواهند کرد که برای کسانی که سن بیشتری دارند اولویت قائل شوند.

با توجه به اینکه در ابتدای ماده چنین آمده است که؛ طرف‌های مخاصمه همه گونه اقدامات ممکن را انجام می‌دهند...، به نظر می‌رسد که یک الزام یا اجبار مطلق برای دولت‌ها وجود ندارد. در واقع، استفاده از عبارت «اقدامات ممکن»^۱ راه را برای استفاده و شرکت افراد زیر ۱۵ سال در مخاصمات باز می‌گذارد. بنابراین، بهتر بود که از عبارت

1. Feasible Measures.

«اقدامات ضروری»^۱ استفاده می‌شد که حتی در طرح اولیه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ مطرح شده بود. «در حقیقت، با این کار از لحاظ عینی هیچ دلیل موجهی برای قرار ندادن سن ۱۵ سالگی به عنوان حداقل مطلق سن برای استخدام جوانان در نیروهای مسلح وجود ندارد. همان‌طور که پروتکل اول مقرر کرده، اگر قرار بر استخدام در نیروهای مسلح باشد، برای افراد ۱۵ تا ۱۸ ساله، اولویت با کسانی است که سن بیشتری دارند».^(۱۴)

نکته‌ی دیگری که در این ماده قابل ذکر است این که؛ منع طرف‌های متخاصم از استخدام و شرکت کودکان زیر ۱۵ سال در نیروهای مسلح به طور غیرصریح استخدام داوطلبانه آن‌ها را نیز در برمی‌گیرد و تنها شرکت مستقیم کودکان را منع و رد کرده است، اما از شرکت غیرمستقیم کودکان سخنی به میان نیاورده و آن را منع نکرده است. این می‌تواند یکی از نقاط ضعف این پروتکل باشد، چون بحث کلی حمایت از کودکان در طول مخاصمات مسلحانه است و در بسیاری از موارد شرکت غیرمستقیم کودکان به عنوان آشپز، باربر، جمع‌آوری اطلاعات و... خطرات بیشتری را برای آن‌ها در پی دارد. بنابراین، ضروری می‌رسد که شرکت غیرمستقیم آن‌ها در مخاصمات نیز ممنوع شود. همچنین، در ماده ۷۷ (بند ۳) پروتکل الحاقی اول مقرر شده است که کودکانی که شرکت مستقیم در درگیری‌ها داشته و به عنوان اسیر جنگی و غیر آن تحت اقتدار طرف متخاصم قرار می‌گیرند می‌بایست از کلیه حمایت‌های ویژه‌ای که مستحق برخورداری از آن هستند، بهره‌مند شوند.^(۱۵) نقطه‌ی عطف این پروتکل آن است که اولین سند بین‌المللی به شمار می‌رود که سن سربازگیری را مطرح کرده است.

۳.۲. پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ در حمایت از قربانیان

مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی

تبصره‌ی ج بند سوم ماده ۴ پروتکل الحاقی دوم الحاقی تصریح نموده که کودکانی که به سن ۱۵ سال نرسیده‌اند نه مجازند که به استخدام نیروها و گروه‌های مسلح درآیند و نه مجازند که در منازعات شرکت کنند. در مورد این ماده، موضوع این بود که تعداد زیادی از نمایندگان سن ۱۵ سال را پایین می‌دانستند و سن ۱۸ سال را ترجیح می‌دادند،

1. Necessary Measures.

اما بعد از بحث‌های طولانی بالاخره همان سن ۱۵ سال مورد تصویب قرار گرفت. نکته قابل توجه آنکه؛ پروتکل دوم نسبت به پروتکل اول پیشرفت داشته است چون در اینجا هم مشارکت مستقیم و هم مشارکت غیرمستقیم کودکان در نبرد مانند مبادرت به جمع‌آوری اطلاعات، انتقال و ابلاغ دستورهای نظامی و حمل مهمات و آذوقه برای رزمندگان منع شده است. این قصد هم در ارتباط با نیروهای دولتی و هم در مورد گروه‌های شورشی صدق می‌کند. این نیروها حتی اجازه استخدام داوطلبانه افراد زیر ۱۵ سال را نیز ندارند. در این میان، نیروهای شورشی ید طولانی در به‌کارگیری کودکان سرباز دارند. از این جهت، می‌توان گفت که حمایت مقرر در پروتکل دوم نسبت به پروتکل اول کامل‌تر گردیده است. به عقده برخی، «تعهد مندرج در ماده ۴ پروتکل دوم، تعهدی مطلق و ماهیتاً از نوع تعهد به نتیجه است و نه تعهد به وسیله».^(۱۶) به نوعی، پروتکل دوم در این رابطه سختگیرانه‌تر و دقیق‌تر از پروتکل اول عمل کرده است. بندهای دیگر نیز در مورد حمایت ویژه برای کودکان که علیرغم بند بالا در جنگ شرکت مستقیم نموده و اسیر شده‌اند، موازینی را مطرح می‌کنند.

۳.۳. کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹

انتظار می‌رفت که پس از پروتکل‌های اول و دوم الحاقی یاد شده که مساله سن مشارکت در مخاصمات مسلحانه برای کودکان و ممنوعیت مشارکت مستقیم و غیرمستقیم را طرح نموده بودند، قدم‌های بعدی در راه تدوین مقررات در این باره به حال کودکان مساعدتر و مناسب‌تر باشد. اما کنوانسیون حقوق کودک، به ویژه ماده‌ی ۳۸ آن، مقرر می‌دارد که دولت‌های عضو کنوانسیون همه گونه اقدامات ممکن را جهت تضمین این که افراد کمتر از ۱۵ سال به طور مستقیم در نبردها شرکت نکنند، به عمل خواهند آورد. مطابق این ماده، دولت‌های عضو کنوانسیون از استخدام افراد کمتر از ۱۵ سال در نیروهای مسلح خود خودداری خواهند کرد. این دولت‌ها برای استخدام افرادی که بالای ۱۵ سال و زیر ۱۸ سال سن دارند، اولویت را به کسانی می‌دهند که بزرگتر هستند. کنوانسیون حقوق کودک همان خط پروتکل اول یعنی تنها ممنوعیت مشارکت مستقیم را پیموده است. از این رو، می‌توان کنوانسیون حقوق کودک را نسبت به ماده ۴ پروتکل دوم در این خصوص ضعیف‌تر ارزیابی کرد. بنابراین، حکم ماده ۳۸ کنوانسیون

حقوق کودک نمی‌تواند پیشرفت به حساب آید. این کنوانسیون، حداقل سن برای استخدام در نیروهای مسلح را ۱۵ سال تعیین کرده است. «به دنبال تصویب کنوانسیون حقوق کودک، کشورهای اسپانیا، کلمبیا، هلند و اوروگوئه مخالفت خود را با تعیین حداقل ۱۵ سال سن برای خدمت نظامی کودکان براساس مصوبه کنوانسیون اعلام کرده و حداقل ۱۸ سال سن را پیشنهاد نمودند. همچنین، در بیست و هفتمین کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر در سال ۱۹۹۹، کشورهای مثل کانادا، دانمارک، فنلاند، سوئیس و... از افزایش حداقل سن به ۱۸ سالگی برای خدمت نظامی کودکان حمایت کردند. نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر در همان کنفرانس اعلام کردند که؛ به دنبال برنامه اقدام در مورد کودکان متاثر از درگیری مسلحانه، به کوشش‌های خود در جهت ارتقای قاعده عدم استخدام کودکان کمتر از ۱۸ سال برای خدمت نظامی ادامه خواهند داد.»^(۱۷)

مسأله‌ی تعیین معیار سنی مناسب برای ممنوعیت مشارکت در مخاصمات مسلحانه به این صورت بود که بعضی از اعضای گروه کار ضمن هشدار نسبت به عواقب استفاده از کلمه‌ی (Child) بدون ارائه تعریف بیشتری در مورد آن تصریح نمودند که این قضیه می‌تواند منجر به این گردد که کودکانی که زیر ۱۵ سال سن دارند اما براساس قانون داخلی کشورشان به سن بلوغ رسیده‌اند، در مخاصمات شرکت کنند. بنابراین، تلاش کردند این ماده را اصلاح کنند. گروه کاری که مسئولیت بررسی این موضوع را داشت معیار سنی ۱۸ سال را به عنوان حداقل سن مشارکت کودکان پیشنهاد داد^(۱۸) اما این معیار سنی با مخالفت برخی از کشورها رو به رو شد. در نهایت، همان معیار سنی ۱۵ سال اتخاذ گردید.

انتقاد وارده بر کنوانسیون حقوق کودک برای طرح سن کمتر برای درگیری کودکان در جنگ، توسط پروتکل الحاقی به کنوانسیون در سال ۲۰۰۰ جبران شد. البته، قبل از تصویب این پروتکل نیز کمیته حقوق کودک در تفسیر خود از ماده ۳۸ مطرح کرد که در پرتو تعریف کودک که افراد زیر ۱۸ سال را در بر می‌گیرد و اصول بهترین منافع کودک، هیچ فرد زیر ۱۸ سالی نباید به طور مستقیم و غیرمستقیم درگیر تعارضات شود. کمیته حقوق کودک در اولین جلسه در سال ۱۹۹۱ به موضوع کودکان و تعارضات مسلحانه توجه نمود و نیاز به روش‌های موثر برای حمایت از کودکان را در

تعارضات مسلحانه مطرح کرد.^(۱۹) از امتیازات کنوانسیون حقوق کودک که می‌توان برشمرد، این است که در این کنوانسیون تعریفی از کودک ارایه شده است که این به یقین نسبت به پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ گامی موثر است. همچنین، در بند ۱ ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق کودک اشاره شده است که؛ دولت‌های عضو کنوانسیون قبول می‌کنند که به مقررات حقوق بشردوستانه بین‌المللی در زمان مداخلات مسلحانه که مربوط به کودکان است احترام بگذارند. در این باره برخی نویسندگان معتقدند که ارجاع بند ۱ به مقررات حقوق بشردوستانه بین‌المللی به عنوان قانون خاص حاکم بر مداخلات، این امکان را می‌دهد که در مواقع تردید ماده ۴ پروتکل دوم را حاکم بر ماده ۳۸ و لازم الاجرا بدانیم، زیرا ماده ۴ حمایت بیشتری از کودکان می‌کند.^(۲۰)

۳.۴. منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودک، ۱۹۹۶

این منشور در سال ۱۹۹۶ توسط سازمان وحدت آفریقا به تصویب رسید و در ۲۹ نوامبر ۱۹۹۹ لازم الاجرا شد. ماده ۲۲ این منشور تمامی دولت‌های متعهد را ملزم نموده است تا کلیه اقدامات لازم را برای تضمین ممنوعیت مشارکت مستقیم کودکان در مداخلات مسلحانه انجام داده و از استخدام و به‌کارگیری کودکان در نیروهای مسلحشان خودداری نمایند. در این منشور، هر فرد زیر ۱۸ سال را کودک اطلاق می‌کنند که این موضوع نشان دهنده تمایل دولت‌های آفریقایی به افزایش معیارهای مندرج در پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ و کنوانسیون حقوق کودک بوده و پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در گسترش حمایت از کودکان به شمار می‌رود. در واقع، «این اولین متن حقوقی بین‌المللی بود که استخدام یا شرکت مستقیم تمام کودکان از جمله آن‌هایی که بالای ۱۵ سال هستند را در جنگ‌ها و منازعات داخلی ممنوع می‌کند».^(۲۱)

۳.۵. اصول کیپ تاون، ۱۹۹۷

در آوریل سال ۱۹۹۷ همایشی با عنوان پیشگیری از سربازگیری اجباری، خلع سلاح کودکان سرباز و بازگردانی اجتماعی کودکان سرباز در آفریقا در شهر کیپ تاون آفریقای جنوبی با همکاری یونیسف و سازمان بین‌المللی غیردولتی فعال در زمینه‌ی حمایت از کودکان سرباز برگزار گردید که در پایان آن سندی با عنوان اصول کیپ تاون

و بهترین رهنمودها^۱ به تصویب رسید. تدوین کنندگان این اصول بر این اعتقاد بودند که این سند می‌تواند مورد استفاده‌ی گروه کاری‌ای که در حال تدوین پروتکل الحاقی بود قرار گیرد و راه‌حل‌های پیشنهادی سازمان‌های غیردولتی نیز در آن اعمال گردد. در این سند، موضوع کودکان سرباز در ۳ محور مختلف مورد بررسی قرار گرفته است:

۱. پیشگیری از استخدام و به‌کارگیری کودکان سرباز؛^۲ ۲. خلع سلاح کودکان سرباز و یا مرخص کردن کودکان سرباز؛^۳ ۳. بازگردانی کودکان سرباز به کانون خانواده‌های خود و جامعه.^۴

در رابطه با محور اول، کارشناسان مسائل حقوق کودک و شرکت کنندگان در این همایش معتقد بودند که مهم‌ترین راهکار در جهت مقابله با گسترش این پدیده، افزایش سن سربازگیری و استخدام کودکان در نیروهای مسلح رسمی و غیررسمی از سن ۱۵ به سن ۱۸ سالگی می‌باشد. آنان معتقد بودند که قواعد مندرج در پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ و ماده‌ی ۳۸ کنوانسیون حقوق کودک که هشت سال پیش به تصویب رسیده بود، صرفاً تضمین منافع دولت‌ها را دنبال نموده و برای اعمال حمایت گسترده‌تر از کودکان، این قواعد که بر مبنای سن ۱۵ سالگی تدوین شده بودند، تغییر یابند. در کنار موضوع افزایش سن استخدام و به‌کارگیری کودکان در نیروهای مسلح، در این همایش و در سند نهایی آن، موضوع سربازگیری داوطلبانه نیز برای نخستین بار مورد توجه قرار گرفت. از این رو، از دولت‌ها در خواست شد تا «قوانین داخلی خود را تغییر دهند و سن ۱۸ سالگی را برای سربازگیری داوطلبانه استفاده کنند». پیشنهاد شد که تا حد ممکن مدرکی را از طرف کودک داوطلب دریافت کنند تا سن اصلی وی مشخص گردد.

در بین اصول دیگری که به مقوله‌ی پیشگیری اختصاص داده شده است، می‌توان به این موارد اشاره نمود: ۱. آموزش قواعد و استانداردهای بین‌المللی حقوق بشردوستانه و حقوق بشر به نیروهای نظامی، به ویژه افرادی که مسئول استخدام سربازان می‌باشند؛ ۲. آموزش و اطلاع رسانی به افراد غیرنظامی به ویژه اطلاع رسانی به

1. Cape Town Principles and Best Practices.
2. Prevention of Child Soldier.
3. Demobilization Child Soldier.
4. Social Reintegration of Child Soldier.

خانواده‌ها و کودکان در معرض خطر؛ ۳. برگزاری کلاس‌های آموزشی ویژه برای کودکانی که در مناطق جنگی زندگی می‌کنند، کودکان پناهنده، کودکانی که از خانواده‌های خود به علت وقوع جنگ دور می‌باشند، کودکان خیابانی، کودکان آواره و کودکانی که متعلق به گروه اقلیت‌ها می‌باشند، به ویژه هنگامی که مخاصمه مسلحانه جنبه‌ی قومی دارد؛ ۴. اتخاذ تدابیر ویژه در جهت پیشگیری از سربازگیری کودکانی که در اردوگاه‌های پناهندگی به سر می‌برند؛ ۵. ایجاد اردوگاه‌های پناهندگی در مناطق دور از مرزها و مناطق حساس؛ ۶. رعایت ماهیت غیرنظامی اردوگاه‌های پناهندگی و جلوگیری از نفوذ افراد مسلح در این اردوگاه‌ها در جهت مقابله با حملات گروه‌های شبه نظامی و ربودن کودکان؛ ۷. جلوگیری از تجلیل و تحسین جنگ توسط رسانه‌ها.

در بسیاری از مواقع، خروج کودک از نیروهای مسلح به صورت رسمی و در زمان صلح انجام نمی‌گیرد. در بیشتر مواقع، کودکان هنگامی از نیروهای مسلح و درگیری‌های جنگ خارج می‌شوند که از نیروها فرار کرده‌اند، زخمی شده‌اند و یا به دست نیروهای دشمن افتاده‌اند. در این رابطه، در اصول کیپ تاون جلوگیری از بازداشت و یا سربازگیری مجدد این کودکان در نیروهای مسلح قبلی خود و یا نیروهای مسلح جدید به عنوان مهم‌ترین هدف مقامات دولتی، سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی و جامعه‌ی مدنی مطرح شده است. اصول کیپ تاون با وجود جنبه‌ی آرمانی خود و عدم توانایی خیلی از دولت‌های جهان سوم برای اجرای این اصول، خط مشی‌های بسیار مهمی می‌باشد که انتظار می‌رفت از آنان در متن پروتکل الحاقی منضم به کنوانسیون حقوق کودک در زمینه شرکت کودکان در مخاصمات مسلحانه استفاده شود. اما متأسفانه جامعه بین‌الملل به ویژه سازمان‌های غیردولتی و یونیسف برای تبدیل اصول کیپ تاون به سندی لازم الاجرا یا حتی المقدور استفاده وسیع از اصول آن در پروتکل الحاقی تا اندازه بسیار زیادی ناموفق بود و تعداد اندکی از پیشنهادات و رهنمودهای کیپ تاون در پروتکل نامبرده مورد توجه قرار گرفته است.^(۲۲)

۳.۶. اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، ۱۹۹۸

اساسنامه‌ی دیوان در ۱۷ جولای ۱۹۹۸ در شهر رم به تصویب ۱۲۰ کشور رسید و در اول جولای سال ۲۰۰۲ لازم الاجرا شد. ماده (پ) ۲۷ و ماده (ه) (۷) ۸ اساسنامه مقرر

می‌دارد که؛ بسیج اجباری یا داوطلبانه کودکان زیر ۱۵ سال در نیروهای مسلح یا به‌کارگیری آن‌ها برای مشارکت فعال در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی جنایت جنگی است و با رعایت ترتیبات اساسنامه مشمول صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری خواهد بود. این موضوع در اساسنامه دادگاه ویژه سیرالئون نیز جنایت جنگی تلقی شده است. باید یادآوری کرد که این ماده با جرم‌انگاری سرپازگیری از کودکان زیر ۱۵ سال، تا حدودی مقررات اسناد حقوق بشردوستانه را کامل‌تر می‌کند و با وضع ماده‌ی ۸ اساسنامه‌ی رم، تا حدودی وضعیت کودکان بهبود یافته است. نکته‌ی قابل ذکر این است که تعارض بین پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک که سن مجاز اعزام افراد به خدمت در نیروهای مسلح را تا ۱۸ سال بالا آورده است و اساسنامه دیوان، باقی است.

۳.۷. مقاله نامه شماره ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار با عنوان بدترین اشکال کار کودک، ۱۹۹۹

در هشتاد و هفتمین کنفرانس بین‌المللی سازمان بین‌المللی کار، مقاله نامه شماره ۱۸۲ در ۱۷ ژوئن ۱۹۹۹ به تصویب رسید و در ۱۹ نوامبر سال ۲۰۰۰ لازم الاجرا شد.^(۳۳) این مقاله‌نامه به همراه مقاله‌نامه شماره ۱۳۸ (حداقل سن اشتغال کودکان) چارچوب مناسبی را برای الغاء موثر کار کودکان ارائه می‌دهند. مقاله نامه ۱۸۲ تلاشی برای از بین بردن اشکال کار کودک از جمله استفاده آن‌ها در جنگ، بهره‌کشی جنسی و استثمار می‌باشد. این مقاله نامه بیشترین تعداد امضا کننده را در میان مقاله‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار داشته است و نشانه خواست جهانی برای مبارزه با این پدیده است.^(۳۴) ماده‌ی ۱ این مقاله‌نامه، کلیه دولت‌های متعاقد را ملزم به انجام اقدامات موثر و فوری برای حذف و ریشه‌کنی بدترین اشکال کار کودک نموده است. در ماده‌ی ۲، واژه کودک را در مورد افراد کمتر از ۱۸ سال به کار برده است، بنابراین استخدام به زور یا اجباری هر فرد کمتر از ۱۸ سال برای به‌کارگیری او در مخاصمات مسلحانه ممنوع است و هر دولتی که به عضویت مقاله‌نامه درآید باید اقدامات فوری را برای رعایت این ممنوعیت انجام دهد. همچنین، ماده ۳ به‌کارگیری و استفاده اجباری از کودکان در مخاصمات مسلحانه را یکی از بدترین اشکال کار کودک معرفی کرده است.^(۳۵)

۳.۸. پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک در مورد به‌کارگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه، سال ۲۰۰۰

کمیته‌ی حقوق کودک در نخستین جلسه در سال ۱۹۹۱ به موضوع کودکان و مخاصمات مسلحانه توجه نمود و نیاز به روش‌های موثر برای حمایت از کودکان را در تعارضات مسلحانه مطرح کرد. همچنین کمیته از دولت‌ها خواسته است که اقدامات خود را در زمینه‌ی حمایت از کودکان در تعارضات مسلحانه انجام دهند. در دهه‌ی ۹۰ و به دنبال فجایع منازعات قومی مانند آنچه در یوگسلاوی سابق، رواندا و دیگر مناطق صورت گرفت و همچنین گسترش استفاده از کودکان سرباز، مجمع عمومی ملل متحد، پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک را در مه سال ۲۰۰۰ تصویب نمود. در سال ۱۹۹۳ یکی از اعضای کمیته برای فراهم کردن طرح مقدماتی پروتکل که حداقل سن درگیری را به ۱۸ سال افزایش دهد، انتخاب شد. همچنین، اعلامیه نهایی و برنامه اقدام کنفرانس وین از کمیته خواست که "مساله افزایش سن به‌کارگیری را در نیروهای مسلح مطالعه کند". در ۱۹۹۴ کمیسیون حقوق بشر یک گروه کار بدون محدودیت زمانی برای مذاکره درباره پروتکل اختیاری تشکیل داد. گروه کار فعالیت خود را در سال ۲۰۰۰ خاتمه داد. مجمع عمومی به طور رسمی پروتکل الحاقی را در ۲۵ مه سال ۲۰۰۰ تصویب کرد که بعد از به دست آوردن ۱۰ امضا در ۱۲ فوریه ۲۰۰۲ لازم الاجرا شد. این پروتکل در مقدمه بر تقویت بیشتر اجرای حقوق شناخته شده در کنوانسیون حقوق کودک تاکید می‌کند و بر نیاز به افزایش حمایت از کودکان در درگیری‌ها و تعارضات مسلحانه اشاره می‌نماید.^(۳۶)

به طور کلی، «پروتکل اختیاری به کنوانسیون حقوق کودک، حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه را تقویت می‌کند و می‌تواند به عنوان نخستین نمونه‌ی از تصویب متن یک معاهده در حقوق بشر در نظر گرفته شود که به طور کامل به مساله‌ای که منحصرأ مربوط به حقوق بشردوستانه است می‌پردازد. این پروتکل احتمالاً تا به امروز بهترین نمونه از ادغام بالقوه‌ی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در رابطه با کودکان بوده است. با این وجود، به خاطر شروط تعیین شده توسط برخی کشورها، اجرای پروتکل اختیاری الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک در برخی شرایط هنوز ضعیف است».^(۳۷)

مفاد این پروتکل که تصویب آن چندان آسان نبود، طوری است که هم جای شکر دارد و هم جایی برای انتقاد و شکوه می‌گذارد. در ماده ۱ این پروتکل آمده است که؛ دولت‌ها باید تمام تمهیدات لازم را برای آن که اعضای نیروهای مسلح زیر ۱۸ سال به طور مستقیم در مخاصمات مسلحانه شرکت نکنند به کار گیرند. روشن است که تعیین سن ۱۸ سال در این ماده برای مشارکت مستقیم در نبرد، پیشرفت مطلوبی به نظر می‌رسد و در ماده‌ی ۲ دولت‌ها اطمینان می‌دهند که افراد زیر ۱۸ سال را به طور اجباری به خدمت سربازی در نیروهای مسلح خود در نیاورند.

ماده‌ی ۳ به استخدام داوطلبانه می‌پردازد و محدودیت‌هایی را قائل می‌شود. بنا بر این ماده، کشورهایی که مجوز استخدام داوطلبانه‌ی افراد زیر ۱۸ سال را به نیروهای مسلحشان می‌دهند، باید دست کم پایبندی به این موارد را ضمانت کنند که: الف) چنین استخدامی حقیقتاً داوطلبانه است؛ ب) با رضایت آگاهانه‌ی والدین یا قیم حقوقی شخص انجام شود؛ ج) چنین افرادی کاملاً از وظایف مربوط به چنین خدمت نظامی مطلع شوند؛ د) پیش از پذیرش در خدمت نظامی ملی، مدرک معتبر از سن تهیه کنند. یک نفر می‌تواند با استدلال به این که نمی‌توان این‌گونه فرض کرد که کودکان زیر ۱۸ سال «حقیقتاً» به نیروهای مسلح پیوسته‌اند، تمایز بین استخدام اجباری و داوطلبانه را مورد انتقاد قرار دهد. کودکان نسبت به انواع گوناگون فشارهای تهدید آمیز یا تشویقی آسیب‌پذیرند. آن‌ها ممکن است «داوطلب شده باشند» زیرا فقیر، یتیم و محروم از تحصیل هستند و گزینه‌های چندان دیگری در زندگیشان باقی نمانده است و یا این که صرفاً خریداری شده‌اند و یا به آن‌ها وعده‌ی بهشت داده شده است. برخی دیگر ممکن است به خاطر یک تهدید یا این غرور که غیروطن‌دوست قلمداد نشوند «داوطلب شده باشند». یک نفر همچنین می‌تواند اصلاً نیاز به چنین تمایزی را به طور کلی زیر سؤال ببرد، آیا واقعاً این که چه دلیل منطقی یا چه میزان فشار ممکن است کودکان را وادار به ثبت نام «داوطلبانه» کند اهمیت دارد؟ آنچه که حقوق بین‌الملل نیاز به تنظیم آن دارد، نوع استخدام سربازان کودک نیست، بلکه کل تاثیر منفی جنگ‌ها بر تمامی کودکان است. چرا صرفاً به همه‌ی افراد زیر ۱۸ سال تنها تحصیلات غیرنظامی و شغل‌هایی را ارایه نکنیم و زمانی که کودکان ۱۸ ساله شدند، می‌توانند به نیروهای مسلح ملحق شوند اگر بخواهند داوطلب شوند.^(۲۸)

ماده ۴ پروتکل در این باره است که گروه‌های مسلح غیراز قوای مسلح دولت، متعهد و ملزم هستند به این که از افراد کمتر از ۱۸ سال عضوگیری نکنند و از آنان در درگیری‌ها استفاده نکنند. ماده‌ی ۵ نیز اشاره به این دارد که هیچ یک از مقررات پروتکل تأثیری بر مقررات داخلی یا دیگر اسناد بین‌المللی و بر حقوق بین‌الملل بشردوستانه ندارد که حاوی قواعدی مناسب‌تر برای تحقق حقوق کودکان هستند و بیشتر از پروتکل، کودکان را تحت حمایت قرار می‌دهند.^(۲۹) ماده‌ی ۶ پروتکل اختیاری می‌خواهد که کشورها تمام اقدامات ممکن را برای اطمینان از این که کودکان استخدام شده یا استفاده شده در جنگ‌ها از خدمت مرخص شوند و تمام کمک‌های مناسب برای بهبودی جسمی و روانی و پیوستن دوباره آن‌ها به جامعه به ایشان اعطاء شود را انجام دهند.

در کل، می‌توان گفت مضمون پروتکل اختیاری در حدی نیست که از آن انتظار می‌رفت. با ضعیف‌تر بودن این پروتکل نسبت به مقررات پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ و با پیروی از الگوی پروتکل الحاقی اول، آن هم با در نظر گرفتن استثنائات مذکور، این سند را نمی‌توان سندی شمرد که به امیدها و اهداف ما جواب داده باشد.

۴. اسناد منطقه‌ای

بیانیه‌های منطقه‌ای و قطعنامه‌های مربوط دیگری نیز برای توجه به کودکان و تعارضات مسلحانه تصویب شده‌اند که به برخی از آن‌ها در زیر اشاره می‌شود. لازم به یادآوری است که این موارد لازم الاجرا نیستند. کنفرانس‌های منطقه‌ای که در این زمینه دارای نتیجه بودند عبارتند از:

اعلامیه برای اروپا: اعلامیه ۱۹۹۹ برلین در مورد استفاده از کودکان سرباز؛ اعلامیه برای آفریقا: اعلامیه ۱۹۹۹ مپوتو در مورد استفاده از کودکان سرباز؛ اعلامیه آمریکای لاتین برای آمریکا و کارائیب: اعلامیه ۱۹۹۹ در مورد استفاده از کودکان به عنوان سرباز؛ اعلامیه آسیا پاسفیک، کاتماندو: اعلامیه ۲۰۰۰ در مورد استفاده از کودکان به عنوان سرباز؛ اعلامیه خاورمیانه و شمال آفریقا: اعلامیه ۲۰۰۱ امان در مورد استفاده از کودکان به عنوان سرباز.

همچنین سازمان‌های کشورهای آمریکایی در سال ۲۰۰۰ قطعنامه کودکان و

تعارضات مسلحانه را تصویب کرد. در اروپا هم شورای اروپا و هم اتحادیه اروپا ابتکاراتی را فراهم کرده‌اند. مجمع پارلمانی شورای اروپا قطعنامه ۱۲۱۵ مصوب ۲۰۰۰ را تصویب کرد. در مورد اتحادیه اروپا نیز باید به قطعنامه ۱۹۹۸ کودکان سرباز در پارلمان اروپا اشاره نمود. مهم‌تر آن که در ۸ دسامبر ۲۰۰۳، شورای اتحادیه اروپا خطوط راهنمای اتحادیه اروپا را درباره کودکان و تعارضات مسلحانه تصویب کرد. یکی از اهداف اتحادیه اروپا به‌کارگیری معیارهای موثر برای پایان دادن به استفاده از کودکان در ارتش‌ها و گروه‌های مسلحانه و پایان بی‌کیفری است. اتحادیه‌ی اروپا اعلامیه‌هایی عمومی در درخواست از کشورهای طرف برای به‌کارگیری معیارهای لازم برای پایان دادن به استفاده از کودکان در تعارضات مسلحانه صادر کرده است. اتحادیه اروپا همچنین از طرح‌های مربوط به کودکان و تعارضات مسلحانه به خصوص برای خلع سلاح، ادغام دوباره و اسکان مجدد، پشتیبانی مالی می‌کند. دولت‌های عضو انجام طرح‌های همکاری دو جانبه را بر مبنای این خطوط راهنمای همکاری بین‌المللی در دستور کار خود دارند. همچنین، باید به پروتکل الحاقی منشور حقوق بشر و مردم آفریقا در مورد حمایت از زنان که مصوب نوامبر ۲۰۰۵ اتحادیه آفریقا است و بخش مهمی از آن به حمایت از دختر بچه‌ها اختصاص دارد نیز اشاره نمود. به طور کلی، موازین بین‌المللی شناخته شده حقوق بشردوستانه و حقوق بشر در ارتباط با کودکان و در ارتباط با حمایت از آنان را می‌توان در اسناد بالا به خوبی ملاحظه نمود.

فرجام

این‌گونه به نظر می‌رسد که به طور طبیعی بیشتر دولت‌ها برای این که با کمبود نیروی نظامی روبه رو نشوند و در زمان بروز یک مخاصمه مسلحانه بتوانند از بیشترین افراد در نیروهای خود استفاده نمایند با ممنوعیت استخدام و به‌کارگیری افراد زیر ۱۸ سال مخالف بوده و هستند. از سوی دیگر، مقوله استفاده از کودکان در مخاصمات مسلحانه پدیده‌ی تقریباً جدیدی است که عمدتاً در ۳۰ سال اخیر و به خصوص در جنگ‌های داخلی توسعه و گسترش یافته است و در زمان تنظیم اسناد حقوق بشردوستانه این موضوع کمتر در خور توجه تدوین کنندگان و تابعان اصلی حقوق بین‌الملل بوده است. به همین دلایل، برای دستیابی به قواعد بین‌المللی موجود در زمینه‌ی حمایت از کودکان

سرباز و مبارزه با این پدیده به بررسی اسناد بین‌المللی مختلف از جمله کنوانسیون حقوق کودک و پروتکل الحاقی آن، در زمینه شرکت کودکان درمخاصمات مسلحانه در این راستا پرداخته شد.

آنچه که مشخص می‌باشد آن است که نظام بین‌المللی حمایت از کودکان و قطعنامه‌های شورای امنیت به طور منظم اجرا نمی‌شود و وضعیت کنونی نشان از ادامه کار ناقضان آن‌هاست، مسلم است که نظام بین‌المللی باید همراه با نظارت دقیق و گزارش‌دهی منظم باشد. نکته‌ی مهم آن که؛ دولت‌ها و گروه‌های خاطی باید مسولیت ناشی از اعمال خلاف خود را در زمینه‌ی حمایت از کودکان در درگیری‌های مسلحانه بپذیرند و عواقب اعمال خود را ببینند. در واقع، این هدفی است که نظام بین‌المللی حقوق بشردوستانه و حقوق بشر در جست‌وجوی آن است. در حالی که مجازات آمران و عاملان نقض حقوق کودکان در درگیری‌های مسلحانه مهم و حیاتی است، ولی آن‌جا که مجازات پیش بینی شده برای آنان تعادلی با عمق جنایات جنگی انجام شده ندارد، جامعه بین‌المللی باید راهی نیز برای امحای ریشه‌های واقعی این جنایات بردارد. در موضوع به‌کارگیری کودکان در جنگ، فقر یکی از عوامل اصلی است. کودکان گرسنه آفریقایی که غذا را در اردوگاه‌های نظامی می‌یابند چاره‌ای جز ورود به گروه‌های مسلح ندارند. نبود آگاهی عمومی نیز یکی دیگر از این عوامل است که باید در راستای بالا بردن سطح آن در جامعه کوشید.

افسوس که هیچ کدام از این مقررات و حتی ضمانت اجرای کیفری مندرج در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به طور کامل در تغییر رویه طرف‌های متخاصم موثر نیفتاده است. از کلمبیا تا کنگو و از سریلانکا تا میانمار به‌کارگیری کودکان در عملیات رزمی، حتی کودکان زیر ۱۰ سال هنوز ادامه دارد. در بیشتر کشورهای درگیر در مخاصمات داخلی به خصوص گروه‌های مسلح، کودکان ۱۵ سال را آموزش مختصر داده و به آن‌ها سلاح و ادوات انفجاری و جنگی می‌دهند و گاه این کودکان مرتکب همان خشونت‌هایی می‌شوند که سربازان بزرگسال. به علاوه، پروتکل الحاقی اول و کنوانسیون حقوق کودک مقرر می‌دارند که در به خدمت گرفتن افراد بین ۱۵ و ۱۸ سال، الویت با سنین بالاتر خواهد بود، همچنین اگرچه تاکنون رویه یکسانی درباره حداقل سن برای شرکت در درگیری‌ها حاصل نشده ولی در مورد ممنوعیت شرکت

افراد کمتر از ۱۵ سال در درگیری‌ها اتفاق نظر وجود دارد.

منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودک، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و مقابله نامه ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار در شکل‌گیری حداقل سن استخدام در نیروهای مسلح از ۱۵ تا ۱۸ موثر بوده‌اند و این در نهایت در پروتکل اختیاری ۲۰۰۰ الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک درباره‌ی شرکت کودکان در جنگ مسلحانه تثبیت شد. همان‌طور که بیان شد، پروتکل اختیاری سال ۲۰۰۰ الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک ملاک سنی برای استخدام را ۱۸ سال تعیین کرد که این ملاک سنی یکی از امتیازات آن به شمار می‌آید اما با تعمیم دادن این که گروه‌های شورشی از افراد زیر ۱۸ سال استفاده نکنند، آیا به راستی این گروه‌های شورشی متعهد به این قضیه هستند؟ جواب مشخص است؛ آمارهای موجود از مخاصمات داخلی در کشورهای آسیایی و آفریقایی نشان دهنده آن است که؛ این گروه‌ها هیچ تعهدی برای به‌کارگیری کودکان قائل نیستند و باید گفت که در عمل هیچ یک از قواعد پروتکل در این کشورها اجرا نمی‌شود و تعداد زیادی از کودکان زیر ۱۸ سال به طور مستقیم و غیرمستقیم در مخاصمات شرکت دارند. همچنین، در مورد ماده ۵ پروتکل کنوانسیون حقوق کودک، به نظر نگارنده اینکه یک سند بین‌المللی در نهایت تحت تاثیر قواعد داخلی کشورها و دیگر اسناد بین‌المللی حقوق بشردوستانه پیش از خود قرار گرفته باشد چندان جالب و مطلوب نیست و در واقع این کشورها هستند که باید قواعد خود را تابع این پروتکل کنند. در نهایت، به نظر می‌رسد این پروتکل آن‌گونه که تصور می‌شد پاسخگو نبود و نقاط ضعف‌هایی در آن به چشم می‌آید، بنابراین، استفاده از کودکان سرباز زمانی پایان می‌یابد که جامعه بین‌المللی نه تنها استانداردهای درست و دقیقی را اتخاذ نماید، بلکه در راستای عملی کردن آن در دو سطح داخلی و بین‌المللی و مشخص کردن سیستم‌های نظارتی به منظور نظارت بر عملکرد دولت‌ها تمام تلاش خود را به کار ببندد. ❖

پی‌نوشت‌ها:

۱. داشاب، مه‌ریار، «کودکان سرباز»، مجموعه مقالات همایش حقوق کودک، ۱۳۸۶، نشر گرایش، ص ۱۴۹.
2. International review of the Red Cross “*Children and War*”, 2002, Vol. 32, No.842.
3. Barnen, Radda, “Report on the Child Victims of Armed Conflicts”, NGO Forum, Stockholm, 1984, p.30.
۴. داشاب، پیشین، صص. ۱۵۰-۱۴۹.
5. Adanan, Amina, “*The Protection of Child Soldiers in International Human Rights law*”, cited in: Roberta Arnold, Noelle Quenivet, *International Humanitarian Law and Human Rights Law towards a New Merger in International Law*, Stockholm, 2010, p.3.
۶. قطعنامه شماره ۱۲۶۱ مصوب ۲۵ آگوست سال ۱۹۹۹؛ قطعنامه شماره ۱۳۱۴ مصوب ۱۱ آگوست سال ۲۰۰۰؛ قطعنامه شماره ۱۳۷۹ مصوب ۲۰ نوامبر سال ۲۰۰۱؛ قطعنامه شماره ۱۴۶۰ مصوب ۳۰ ژانویه سال ۲۰۰۳؛ قطعنامه شماره ۱۵۳۹ مصوب ۲۲ آوریل سال ۲۰۰۴ و قطعنامه شماره ۱۶۱۲ مصوب ۲۶ جولای سال ۲۰۰۵. لازم به ذکر است که پس از سال ۲۰۰۵ میلادی نیز در قطعنامه‌های متعددی شورای امنیت نگرانی خود را نسبت به آثار ناشی از مخاصمات مختلف بر کودکان اعلام داشته است.
See: <http://www.un.org/depts/dhl/resguide/gares1.htm>.
- از جمله قطعنامه‌های مجمع عمومی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
A/RES/50/153; A/RES/3318/XXIX; A/RES/53/128/1999; A/RES/S2212/2000.
7. (S/2003/1053), (S/2002/1299), (S/2001/1852), (S/2000/712), see: <http://www.2.ohchr.org/english/bodies/hrcouncil/docs/12session/A-HRC-12-23-Add2-E.pdf>.
۸. هنکرتز، ژان ماری و دوسوالدبک، لویس، *حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی*، جلد اول؛ قواعد، ترجمه دفتر امور بین‌الملل قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۷، صص. ۶۹۲-۶۸۹.
۹. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، «توسعه و تحول حقوق بشردوستانه در بستر رویه بین‌المللی معاصر»، مجموعه مقالات همایش اسلام و حقوق بین‌المللی بشردوستانه، ۱۳۸۶،

- تهران، چاپ سها، ص. ۷۲۲.
10. *Legal Protection of Children in Armed Conflict*, available at: <http://www.ICRC.org/increceng.nsf15/2001>.
۱۱. موسسه لغت نامه دهخدا، لغت نامه دهخدا، جلد دوازدهم، تهران، ناشر موسسه انتشارات چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، صص. ۱۸۸-۱۸۶.
۱۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، *ترمینولوژی حقوق*، تهران، نشر گنج دانش، ۱۳۸۰، ص. ۴۰۶.
۱۳. داشاب، مهریار، پیشین، ص. ۱۵۱.
۱۴. فلک، دیتز، *حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه*، ویرایش قاسم زمانی و نادر ساعد، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ص. ۲۹۰.
15. Sandoz, Yvez, Swinarsk, Christophe, Zimmerman, Fbruno, *The commentary of Additional Protocols of 8 Jun 1977 the Geneva Conventions of 12 Aug 1979*, Martinus Nijhoff Publishers, Geneva, 1987, pp.900-902.
۱۶. ممتاز، جمشید و رنجبریان، امیرحسین، *حقوق بشردوستانه مخاصمات مسلحانه داخلی*، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۳، ص. ۱۲۵.
۱۷. هنکرتز و دوسوالدبک، پیشین، ص. ۶۸۹.
18. UN DOC.E/CN.4/1984/WG1/W, p.65.
۱۹. مصفا، نسرين، «کودکان و جنگ»، در: *مجموعه مقالات همایش حقوق کودک*، تهران، نشر گرایش، ۱۳۸۶، ص. ۱۳۲.
۲۰. ممتاز و رنجبریان، پیشین، ص. ۱۲۵.
21. Popovski, Vesselin, "Protection of Children in International Humanitarian Law and Human Rights Law", in: *International Humanitarian Law and Human Rights Law Towards a New Merger in International Law*, Martinus Nijhoff Publishers, Boston, 2008, p.399.
۲۲. داشاب، پیشین، صص. ۱۵۶-۱۵۴.
23. www.ILO.org/Public/English/Standards/ipecc/ratification.htm.
۲۴. مصفا، نسرين و همکاران، *کنوانسیون حقوق کودک و بهره‌وری از آن در حقوق داخلی ایران*، تهران، انتشارات دانشگاه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۳، صص. ۵۷-۵۸.
25. J. Dennis, Michael "The ILO Convention on the Worst forms of child labour", *American Journal of International Law* 943, 1999, p.93.
۲۶. مصفا، پیشین، صص. ۱۳۴-۱۳۳.
27. Popovski, *Op. cit*, p.399.
28. Popovski, *Op.cit*, p.400.
۲۹. ممتاز و رنجبریان، پیشین، ص. ۱۲۸.